

آشتیانی

«متأسفانه شانه خالی کردن از زیر بار زحمت
از طرفی و پیش آمدن مسائل مادی از طرفی دیگر،
بسیاری از مسائل هنری و عده زیادی از هنرمندان
را به انحطاط سوق داده است»

زندگی استاد

استاد اسماعیل آشتیانی به سال ۱۲۷۱ شمسی در خانواده‌ای
روحانی چشم به جهان گشود. از همان دوران کودکی به هنر
و ادب دل بست و با همه مخالفت‌ها و مشکلات و محرومیت‌ها،
راهی را که برگزیده بود دنبال کرد. در آغاز تنها بخاطر
ارزش روحانی پدرش که مجتهد بود مورد احترام استادان
قراری گرفت اما بعدها چنان استعداد شگفتی‌انگیزی از خود
نشان داد که از سوئی اعجاب دوستان و نزدیکان را برانگیخت
و از سوی دیگر به دلیل تضادی که آن زمان میان لباس روحانی
و پرداختن به هنر نقاشی وجود داشت، موجی از مخالفت
و ملامت به ضد او بوجود آمد.

در برداشت‌های اجتماعی و فرهنگی آن زمان که متأسفانه
هنوز هم آثارش را در جامعه امروز بجا گذاشته است، نوع
لباس و طبقه اجتماعی، تعیین‌کننده گروهی از ارزش‌ها
و نفی‌کننده گروهی دیگر بود. این بود که اگر یک روحانی
نقاشی تعلیم می‌گرفت و یا تعلیم می‌داد، با بدبینی اجتماعی
شدیدی روبرو می‌شد و حتی خطر تکفیر تهدیدش می‌کرد.

از ویژگی‌های استاد آشتیانی که باید در بررسی شخصیت
اجتماعی و هنری او مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد، سنت‌شکنی
و زیر پا گذاشتن قواعد و رسوم نامعقول اجتماعی بود. او
در حالی که سوی تمایلات ذوقی خود گام برداشت که کمتر کسی،
حتی در جامعه غیر روحانی، جرئت نزدیک شدن به هنر نقاشی
را داشت.

کار استاد در چنین زمانی، گریزورهائی از چهارچوبهای
قراردادی و حرکت بسوی کمال مطلوب بود. استاد همه ملامتها
و سرزنش‌ها را بجان خرید، بسیاری امکانات اجتماعی و خانوادگی

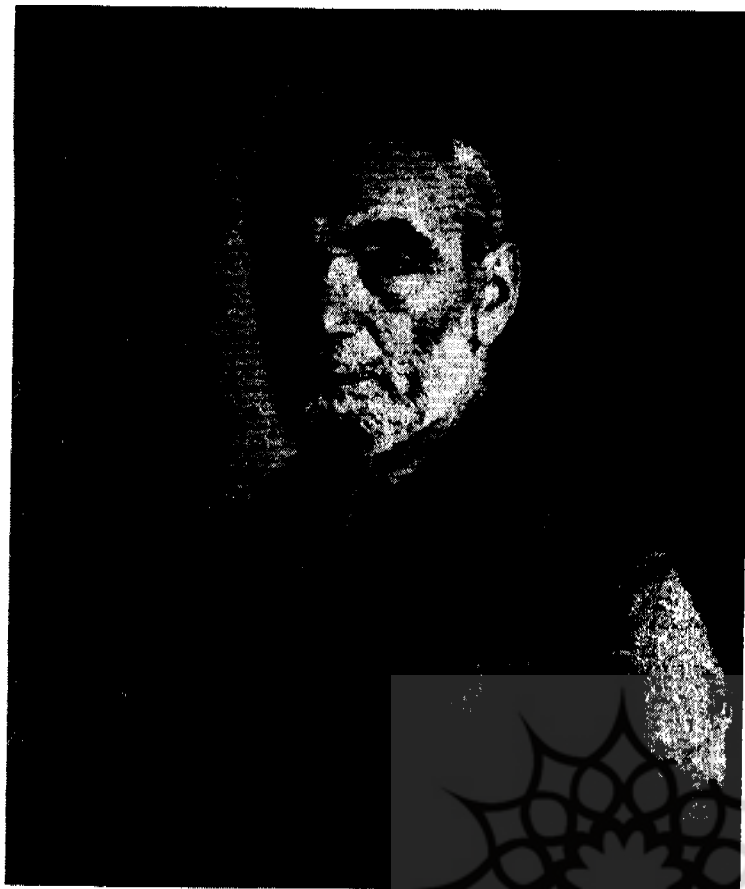
« . . . شاهکارها از راه مستقیم و آسان ایجاد نمی‌شود،
ذوق و هوشیاری و زیرکی و دقت و همت می‌خواهد، باید
همه راهها را انتخاب کرد. گره‌ها در درون مغز ماست و برای
باز شدن گره‌ها باید مغز را غنی و مقتدر و روشن ساخت.
هر شاهکار مرکب از یک سری مسائل کوچک و لسی با
اهمیت است که دیدن و دست یافتن به هر کدام آگاهی و علاقه
و لیاقت و فعالیت مخصوص می‌خواهد. »

چندی پیش انسان پرارزشی چشم از جهان فرو بست که
فقدانش برای جامعه هنری ما ضایعه‌ای دردناک و جبران‌ناپذیر
بود. آنچه در مقدمه آمد از اوست و نشانه برداشت و طرز تفکر
هنری او.

استاد اسماعیل آشتیانی خالق تابلوهائی همچون «بازار»،
«قهوه‌خانه قدیمی»، «خواب خوش»، «تابلو حافظ»،
«خرمن کوبی»، «موزیسین جوان» و بسیاری شاهکارهای
دیگر، نقاشی آگاه بود که با جهان بینی واقع‌گرا و دید عمیق
خود، به کهنه اشیاء، طبیعت و تصاویر و برداشت‌های ذهنی راه
می‌یافت.

جامعه هنری ما، نقاشی شاعر، شاعر و اندیشمندی پر هنر
را از دست داد که متأسفانه جانشینی برایش ندارد.

مروری در آثار استاد که از همکاران و همراهان نزدیک
کمال‌الملک بود و پایایی او در وسیع‌کردن و غنی‌تر کردن
زمینه‌ها و مایه‌های نقاشی واقع‌گرا پیش می‌رفت، نشان‌دهنده
بیشترین و گرانمایه‌ترین فعالیت هنرمندانه نیم قرن اخیر است.
شاهکار استاد طرحی است که با الهام از یک غزل حافظ
ساخته است و دلیل ارزش جهانی او اینست که نیمی از تابلوهايش
امروزه زینت بخشى موزه‌ها و مراکز علمى جهان است.



تک چهره استاد اسمعیل آشتیانی
رنگ روغن .

تدریس مینیاتور، تذهیب، آناتومی، ریاضیات، تاریخ هنرهای زیبا، کادربندی و پرسپکتیو در هنرستان عالی صنایع مستظرفه از ابتکارات استاد آشتیانی بود .

سفرها

استاد با دعوت نامه های رسمی به فرانسه ، ایتالیا، آلمان، اتریش و شوروی سفر کرد و دانشجویان این کشورها طی سه سال اقامتش خارج از کشور از محضرش بهره ها گرفتند .
حاصل سفرهای استاد ، گذشته از تابلوهایی که از او در موزه های لوور، ونیز، رم ، برلین و وین باقی مانده ، مدالهای علمی است و همچنین مجموعه مقاله ها و اظهار نظرهایی که هنرمندان بزرگ جهان درباره هنر و آثار او کرده اند .
دربازگشت از این سفرها بود که شورای عالی فرهنگ و هنر به استاد عنوان دکترای داد و عضویت دایمی این هنرمند پرارزش را پذیرفت . چندی بعد پیاس ارادت و دوستیش با کمال الملک ، هنرستان کمال الملک را بنیان نهاد .

را از دست داد و به تعلیم گرفتن و بعد تعلیم دادن نقاشی پرداخت و در این مسیر آثاری بوجود آورد که بی تردید در تاریخ هنر معاصر مقامی رفیع خواهد داشت .

زمانی که او را به عنوان «شاگرد استثنائی» می شناختند ، مرحوم مستوفی الممالک در دیداری از مدرسه دارالفنون ، وضع تحصیلی استاد را مورد توجه قرار داد و پس از دریافت استعداد بی همتانش از کمال الملک خواست تا او را مورد تعلیم قرار دهد .
پس از سال بعد ، تعلیم کمال الملک در آشتیانی چنان مؤثر افتاد که او را به معاونت فنی خود در مدرسه عالی صنایع مستظرفه برگزید .

پیوند این دو دوست ۲۵ سال ادامه داشت و سرانجام زمانی که مرحوم کمال الملک (به سال ۱۳۱۱) از ریاست مدرسه عالی صنایع مستظرفه کناره گرفت ، آشتیانی را بعنوان لایقترین جانشین خود معرفی و منصوب کرد . حاصل این جانشینی شایسته آن بود که سال بعد مدرسه عالی صنایع مستظرفه ، با رأی شورای عالی فرهنگ و هنر به «هنرستان عالی» تبدیل شد .



ساع زهره برقص آورد مسیحا را

در آسمان نه عجب گر بگفته حافظ



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کاتب

بیش از یکصد تابلو نفیس و گران بها که نیمی از آن در موزه‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز علمی و هنری جهان نگهداری می‌شود، مجموعه کارهای هنری استاد را تشکیل می‌دهد.

در بیست سال گذشته، به رغم کسالت‌های جسمی و روحی ناشی از فعالیت مداوم، استاد آشتیانی در هر فرصتی اثری نو آفرید.



بازارچه گلوندک (کهنه و نو)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

شکل پیش رو می‌نهاد. تابلوهای استاد بیشتر از طبیعت و حالت و حرکت‌های مدل‌ها، براساس آمیزش ظریف رنگ‌ها، نقش می‌گیرد.

تابلوهائی که تا اواخر زندگی استاد درخانه‌اش نگهداری می‌شد (جلوه عشق و صفا- قهوه‌خانه قدیمی- خواب‌خوش- اوتوپرتره استاد- موزیسین جوان- خرمن کوبی- بدن مرد و پرنده‌های تیرخورده) گنجینه گرانبهائی بود که جا داشت در زمان حیات استاد مورد توجه بیشتری قرارگیرد.

«اوتوپرتره استاد» طرحی است از چهره خود او که از روی آیین و با زغال و گچ شکل گرفته است و «جلوه عشق

مجموعه‌ای که بی‌تردید نشان‌دهنده یکی از درخشانترین نمونه‌های نقاشی پنجاه سال اخیر است.

کارهای استاد

بیشترین ارزش آثار استاد اسماعیل آشتیانی، ظرافت دید، قدرت او در طرح و بکاربردن انواع رنگها با زیباترین هماهنگی و تلفیق بود. ترکیب رنگ و برجستگی فردی و جمعی رنگ‌هائی که بکار می‌گرفت، از چنان توانائی و استحکامی برخوردار بود که طبیعت و انسان را با لطیف‌ترین و زنده‌ترین



منظره

ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی رتال جامع علوم انسانی

حافظ و استاد

استاد، بدلیل ارادت و علاقه خاصی که به حافظ داشت، تابلوی سمبولیک بی نظیری ساخت که در موزه وزارت فرهنگ و هنر نگهداری می‌شود.

در این تابلو که برغزل معروفی از حافظ متکی است، قلم از جنبه‌های رؤیایی و انتزاعی شعری آزاد می‌شود و از نظر ارائه دقیق مسائل مورد نظر، به مرزهای نبوغ میرسد. یکی از دختران استاد مدل زهره و دو درویش شوریده تجسم چهره و حالات «مسیح» و «حافظ» اند. تجسمی که ماهها تمرین و ممارست

وصفا تابلویی است ناتمام از چهره همسر استاد - زنی که پنجاه سال پیش زندگی مشترک خود را با استاد آغاز کرد و در همه حال یار وفادار و دوست غمخوار او بود. خود استاد در این باره گفته است:

«همسرم بخاطر ادراک نیرومند و محبت شکوهمندش در واقع سازنده و مشوق و راهنمای اصلی من بود. او همسری صمیم و مادری مهربان بود.»

با آنکه «جلوه عشق و صفا» بعلت لرزش دست های استاد در سال‌های اخیر ناتمام ماند، گیرایی و جاذبه‌ای خاص دارد.



طبیعت بیجان .

را به همراه داشت . بیت آخر غزل ملهم چنین است :

در آسمان نه عجب گر بگفته حافظ
سماع زهره برقص آورد مسیحا را .

مانده است که امیداست بزودی منتشر شود .

کوشش‌های دیگر

آخرین شعر استاد که در آخرین روزهای زندگی در بیمارستان گفته ، وصف حالی است از زندگی انسانی ارجمند و متواضع که در پایان عمر گرفتار یاسی فلسفی نیز می‌شود . اگرچه افتادگی و فروتنی استاد را که در این شعر وصف شده است ، نمی‌توان صرفاً یاس فلسفی دانست و بیشتر باید آنرا به حالات عرفانی ، شوریدگی و گرایش‌های مذهبی منصوب دانست .

گذشته از نقاشی ، استاد آشتیانی در ریاضی ، بویژه هندسه ترسیمی و فضائی و امور مذهبی و مسائل اجتماعی تحقیقات و تبصحات فراوان دارد و در تاریخ ادبیات ایران صاحب نظر بود . استاد نثری گیرا و شورانگیز داشت و در سرودن شعرهای لطیف ، زیاتر د بود .

از جمله آثار ارزشمند او عبارت است از : مناظر و مریاب - پرسپکتیو و زیباشناسی - الفبائی بر مبنای حروف فعلی فارسی برای تندنویسی - ادعیه قرآن مجید - سفرنامه اروپا -

چون سپند از آتش غم بیقرار افتاده‌ام
زانکه چون شمع سحرگامی زکار افتاده‌ام



رنگ زردم اعتباری داشت در بازار عشق
 چون زر قلب این زمان از اعتبار افتاده‌ام
 از سرم پیری هوس‌های جوانی برده است
 از چه کاری پاکشیدم ، در چه کار افتاده‌ام ؟
 گر سر عجزت نهم برپا مکش پای از غرور
 گر چه چون اشکی ز چشم روزگار افتاده‌ام
 از نسیمی بال بگشایم بسوی آسمان
 زانکه بر روی زمین همچون غبار افتاده‌ام
 همچو گل روزی غرور برگ و باری داشتم
 شکر لله کز غرور برگ و بار افتاده‌ام
 «شعله» میسوزم که روزی شمع جمعی بوده‌ام
 لیک اکنون زار چون شمع مزار افتاده‌ام
 مرگ استاد در ۷۸ سالگی و با ۵۰ سال زندگی با فکر
 و هنر در بیمارستان اتفاق افتاد . علت مرگ بیماری قلبی بود
 و برای جامعه ایران تأسف عمیقی بجا گذاشت .

بالا : چهره يك زن .

پائین : خواب خوش .

